



مقالات و اعلامیه های برگزیده  
از کار ۲۱۱ - چهارشنبه ۱۶ تیر ۱۳۷۸

**سرمقاله**

برای ردگیری قتلها تا به آخر!

**یادداشت**

بافت وزارت اطلاعات مافیایی است!

اصلاح قانون انتخابات برای مدتی  
محدود به تعویق افتاد

پازل تکمیل می شود؟

علی فلاحیان مهره بعدی است

صف آرای برای انتخابات مجلس ششم  
هنوز در پشت پرده است

نیروهای امنیتی از شرکت آیت الله منتظری  
در مراسم بزرگداشت فرزندش جلوگیری کردند

ناصر زرافشان وکیل خانواده پوینده:  
(خودکشی) سعید امامی گم کردن سرخ اصلی ماجرای قتلهاست

مراسم یادبود سعید امامی با حضور  
اعضای وزارت اطلاعات برگزار شد

ناطق نوری:

وقتی سیل بیاید همه را خواهد برد

با کار تماس بگیرید

## سرمقاله

### برای ردگیری قتلها تا به آخر!

در خردادماه امسال اعلام شد سعید امامی (اسلامی) متهم اصلی پرونده که هشت سال معاون امنیتی فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات بود، در زندان خود را کشته است.

در بیش از دو هفته‌ای که از اعلام این خبر توسط حجت‌الاسلام نیازی مسئول رسیدگی به پرونده می‌گذرد، افکار عمومی ایران با نگرانی به خبر خودکشی سعید امامی برخورد کرده، این تحول در ماجرای قتلها را تلاشی در جهت گم شدن سرخ ماجرا ارزیابی نموده است. اکنون زمان آن فرا رسیده است که وعده‌ای که خاتمی در پائیز سال گذشته داد، مجدداً به رئیس جمهور یادآوری شود و از او خواسته شود ترتیبی دهد قتل‌های زنجیره‌ای تا به آخر ردگیری شوند.

خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی در همان روزهای اول پس از قتلها، ابراز اطمینان کرد که دست ((عوامل خارجی)) در کار است و شخصاً در این مورد ((تضمین)) داد. به پیروی از خامنه‌ای، مقامات قضایی مسئول رسیدگی به پرونده، تئوری دخالت سرویس‌های خارجی در قتلها را سرهم بندی کرده‌اند و می‌گویند سعید امامی جاسوس بوده است. یهودی‌الاصل بودن امامی و اقامت او در آمریکا تنها شواهدی است که در این زمینه ارائه شده است. طرح ((سرخ خارجی)) از نظر اکثر مردم، تلاشی برای مخدوش کردن سرخ‌های داخلی است. مردم می‌پرسند مگر هنگام گماشتن سعید امامی به مهم‌ترین مقام امنیتی رژیم پس از وزیر اطلاعات، نمی‌دانستند سوابق او چیست. وصل کردن سعید امامی به سرویس‌های خارجی، نوعی ضد تبلیغ برای اقتدار دستگاه امنیتی رژیم نیز هست. افکار عمومی می‌پرسد سرویس‌هایی که تا بالاترین مقامات رژیم رسوخ کرده‌اند، از کجا معلوم که عوامل دیگری در مواضع کلیدی حکومت نداشته باشند. از کجا معلوم که بسیاری از اقدامات و سیاست‌های جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته، دستپخت این عوامل نباشد. عمادالدین باقی از نظریه‌پردازان اصلاح‌طلبان یادآوری کرده است آیت‌الله منتظری در آستانه برکناری گفته بود عوامل دشمن در دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی نفوذ کرده و او را نزد خمینی بدنام نموده‌اند. باقی می‌افزاید اگر به نصایح دلسوزانه آقای منتظری اعتنا می‌شد، کار به اینجا نمی‌کشید.

جنايات وزارت اطلاعات، به چهار موردی که رسماً بدان اعتراف کرده است محدود نیست. پیش از این موارد ده‌ها نفر دیگر در داخل و خارج از کشور به تعبیر عفو بین‌الملل ((اعدام غیر رسمی)) شده‌اند. عوامل این قتلها از خود می‌پرسند ((بالایی))ها که اکنون با سعید امامی، یکی از مهم‌ترین یارانشان، چنین کرده‌اند، از کجا معلوم که با قرار گرفتن در تنگنا، کسان دیگری را نیز قربانی نکنند.

در گوشه و کنار، به مجتهد بودن صادرکنندگان مجوز قتلها اشاره می‌شود. می‌گویند سعید امامی کسی نبود که بدون مجوز شرعی آدم بکشد. از هم‌اکنون، نام فلاحیان مقام مافوق بلافصل امامی در روزنامه‌ها به عنوان کسی که باید تحت تعقیب قرار گیرد مطرح شده است.

هدف و خواست جناح خامنه‌ای در شرایط حاضر روشن است. این جناح می‌کوشد در چارچوب سازمان قضایی نیروهای مسلح، حتی‌القدر در خفا (به بهانه ملاحظات امنیتی) پرونده قتل‌های پائیز گذشته را ببندد و آن جنايات را ((سانحه))ای ناشی از نفوذ معدودی جاسوس به ارگان‌های رژیم جلوه دهد. این تلاش جناح مسلط حکومت، تعجب‌آور نیست. این جناح است که برخی از موثرترین سران آن علناً می‌گویند باید برای حفظ قدرت به خشونت متوسل شد و گردن زد و زبان برید. بدیهی است این جناح نمی‌خواهد با ادامه پیگیری قتلها، از کارآیی وزارت اطلاعات در اجرای این خشن‌ترین نوع سرکوب، کاسته شود.

همان قدر که سمت‌گیری جناح راست در این مورد روشن است، خواست و هدف جناح خاتمی در پرده ابهام قرار دارد. در شش ماهی که از ماجرا می‌گذرد، خاتمی و طرفداران او علائم و نشانه‌های متناقضی به مردم داده‌اند. از یک سو همین حد از افشای دخالت وزارت اطلاعات در قتلها بدون اقدامات خاتمی قابل تصور نبود و از سوی دیگر، به نظر می‌رسد بسیاری از یاران خاتمی در نیمه راه محتاط شده‌اند و یا حتی در سردادن ندای به هم آوردن سر و ته پرونده، با شرکای محافظه‌کار خود در حکومت هم‌صدایی می‌کنند.

اساس توطئه‌ای که دشمنان آزادی و طراحان قتلها دنبال می‌کنند، این است که سرخ ماجرا را به سرویس‌های خارجی مربوط کنند. این توطئه را کسی باور نمی‌کند. مردم ایران به تجربه و بنا بر شناخت کاملاً قابل اتکای خود می‌گویند سرخ این جنایت در محافل قدرتمند حکومتی است. به نوشته یک روزنامه چاپ تهران فلاحیان ((توقف‌گاه)) فعلی است. اما او انتهای این ماجرا نیست. آنان که فلاحیان را به ریاست وزارت اطلاعات گماردند، در برابر این انتخاب همان قدر مسئولند که فلاحیان در انتصاب سعید امامی به معاونت خود. با کدام منطق باید پای فلاحیان به این ماجرا کشیده شود و پای روسای او نه؟ همه مردم ایران می‌دانند که وزارت اطلاعات به دلیل حساسیت خود، از ده‌ها طریق زیر کنترل مستقیم علی خامنه‌ای، قرار داشته و دارد و می‌خواهند از زبان یک دادگاه صالح بشنوند آیا واقعا او نمی‌دانسته است در این وزارتخانه چه می‌گذشته است؟

خواست مردم و آزادیخواهان از اصلاح‌طلبان درون حکومت این است که اگر خود نیز نمی‌توانند مستقیماً به این پرسش‌ها بپردازند، اما با خواست خانواده این قربانیان و آزادی‌خواهان برای احاله پرونده این جنایت به یک دادگاه بین‌المللی پشتیبانی کنند. دلیل این درخواست کاملاً روشن و کاملاً منطقی است. قوه قضائیه ایران خود متهم به دست داشتن در این ماجرا است و نمی‌تواند داور این پرونده باشد. ما کماکان خواستار آن هستیم که پیگیری پرونده این قتل‌ها از سازمان قضایی نیروهای مسلح به یک دادگاه بی‌طرف بین‌المللی سپرده شود.

### ما در عین حال خواهان آن هستیم که:

- محاکمه متهمان به صورت علنی در یک دادگاه بی‌طرف برگزار شود،
- درباره مرگ سعید اسلامی تحقیق مستقل و خارج از چارچوب قوه قضائیه صورت گیرد زیرا سعید امامی در شرایطی از بین رفت که قوه قضائیه مسئول نگهداری او بود و این قوه صلاحیت بررسی دلایل ((خودکشی)) او را ندارد،
- تمام بازجویی‌های سعید امامی، چه دست‌نویس‌های او و چه نوارهای بازجویی‌ها منتشر شود،
- علی فلاحیان به عنوان مسئول مستقیم سعید امامی تحت تعقیب قرار گیرد و نسبت به اعمال او و نقش خود در این ماجرا پاسخگو باشد،
- همه مدارک و پرونده‌های مربوط به این جنایت در اختیار وکلای مدافع شاکیان خصوصی قرار گیرد،
- تحقیقات در مورد سایر جنایاتی که نام وزارت اطلاعات در ارتباط با آنها طرح شده است، از جمله توطئه انداختن اتوبوس حامل نویسندگان به دره، قتل چندین نویسنده، ربودن فرج سرکوهی و ترور میکونوس نیز آغاز شود.
- با دادگستری کشور آلمان در ارتباط با پرونده میکونوس همکاری قضایی صورت گیرد، چرا که در این زمینه اطلاعات وسیعی در اختیار مقامات قضایی آلمان قرار گرفته است.
- ما نیز چون همه مردم، تشنه حقیقتیم. هر گوشه از حقیقت، با هر نیت که بر ملا شود، بخشی از دینی است که قربانیان این جنایات بر گردن ما دارند و از همین روست همه آنانی را که خواهان پی‌گیری این جنایات تا آخر هستند به پشتیبانی از این خواست‌ها دعوت می‌کنیم.

## یادداشت

### بافت وزارت اطلاعات مافیایی است!

با هر خبری که درباره قتل‌های زنجیره‌ای پائیز سال گذشته انتشار می‌یابد، گوشه‌ای دیگر از پرده ضخیم پوشاننده بافت مافیایی وزارت اطلاعات کنار می‌رود. شاید برای فعالان سیاسی اپوزیسیون که خود به طور مستقیم یا از طریق یارانشان سال‌هاست در جریان نحوه عمل این دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند، حقایقی که تا کنون در ارتباط با دخالت وزارت اطلاعات در جنایات سال گذشته بر ملا شده است، تازگی چندانی نداشته باشد. اما بی‌شک برای مردمی که تا به حال کمتر برخوردی با ((سربازان گمنام امام زمان)) نداشته‌اند و نام و وجود وزارت اطلاعات چندان برایشان ملموس نبوده است، و به ویژه برای جوانانی که دیری نیست به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی پا نهاده‌اند، اخبار و افشاگری‌های این روزها بس عبرت‌انگیز است. آنان با چشمان حیرت‌زده، شاهد ((استریپ تیز)) مضمّن‌کننده یک سازمان مافیایی‌اند که از باغ کارنامه سیاه آن هر دم بری می‌رسد. مردمی که تا دیروز تعویض وزیر اطلاعات، جسورانه‌ترین خواستی بود که به نظرشان به جا و به موقع می‌رسید، با حقایق تازه، خواهان تصفیه اساسی این وزارتخانه‌اند. و بسیاری از آنها که هنگام برکناری دری نجف‌آبادی می‌گفتند تعویض وزیر کافی نیست و کل این نهاد را باید دگرگون نمود، اکنون از خود می‌پرسند اصولاً وزارت اطلاعات اصلاح‌پذیر است یا نه.

علاوه بر این نکته تکان‌دهنده برای اکثریت مردم که در قلب وزارت اطلاعات رژیم و تا سطح بالاترین مقام آن پس از وزیر، قاتلانی قصی‌القلب فعالند که به فجیع‌ترین شکل، مردم را در خانه‌شان قصابی می‌کنند، ماجرای جنایات وزارت اطلاعات حاوی نکات

متعدد دیگری است که نمی‌تواند حساسیت علاقه‌مندان به دانستن نحوه اداره کشور را برنیانگیزد. اولاً ثابت شده است بر خلاف ادعایی که سال‌ها از سوی مقامات حکومتی مبنی بر غیراجرایی بودن وزارت اطلاعات و تمرکز صرف آن بر جمع‌آوری اطلاعات (و حداکثر گذاشتن اطلاعات در اختیار قوه قضائیه) تکرار می‌شد، پوچ و دروغ بود و ماموران این وزارتخانه مانند سلف آن ساواک، هم دارای مأموریت اطلاعاتی و هم اجرایی و کیفری بوده‌اند. حجت‌الاسلام نیازی مأمور رسیدگی به پرونده گفته است متهمان، به علت آشنایی به نحوه بازجویی‌ها، روند تحقیق قضایی را به درازا کشانده‌اند. یک سازمان اطلاعاتی صرف، دخالتی در تحقیقات قضایی ندارد و وظیفه آن، صرفاً جمع‌آوری اطلاعات است. با دستگیری یک متهم و آغاز تحقیقات

قضایی از او، وظیفه بازجویی از متهم بر عهده دادگستری و نهادهایی مانند دادسرا قرار می‌گیرد. وزارت اطلاعات در این میان چه‌کاره است که اعضای آن ید طولایی در فن بازجویی دارند؟

ثانیا اکثریت مردم اکنون بر این باورند که گردانندگان دستگاه سرکوب حکومت به یاران دیروز خود نیز رحم نمی‌کنند و حتی حاضرند اگر لازم شد موثرترین و سرسپرده‌ترین مهره‌های خود را در راه حفظ قدرت خود قربانی کنند. سر به نیست کردن سعید امامی و نیز نام بردن از او به عنوان جاسوس و خائن از سوی کسانی که چه بسا موقعیت خود را مدیون ((خدمات)) امثال سعید امامی‌اند، نمی‌تواند باعث نفرت و اشمئزاز ناظر نشود. ثالثا افشای روابط یاران سعید امامی با برخی روزنامه‌ها مانند کیهان و برنامه‌های تلویزیونی مانند چراغ، نشان می‌دهد سازمانی که قاعدتا باید اطلاعات جمع کند و در اختیار دولت قرار دهد، در جنگ روانی در داخل کشور فعال است و یکی از کارهای آن، اشاعه دروغ و ترور شخصیت‌هاست.

خامنه‌ای در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در سال گذشته، پس از آنکه دخالت وزارت اطلاعات در قتل‌ها افشا شد گفت دنیای سرویس‌های مخفی، پر از جنایات اینچنینی است. وی به نوعی منت بر سر مردم نهاد که تا همین حد نیز در جریان اعمال وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. منطق خامنه‌ای چنین است: دیگران بدند، پس ما حق داریم بدتر باشیم.

منطق ما به عنوان نیرویی آزادیخواه، این است: مردمی که ۲۰ سال پیش قیام کردند و یکی از اهدافشان که حتی پیش از پیروزی انقلاب تحقق یافت، اعلام رسمی انحلال ساواک بود، حق دارند فارغ از سایه شوم دستگاه سرکوب مخوفی مانند ساواک و وزارت اطلاعات زندگی کنند. ما بیش از آنکه نگران حق دولت در جمع‌آوری اطلاعات باشیم، نگران حقوق و آزادی‌های مردمیم.

این گفته را از بنجامین فرانکلین نظریه‌پرداز انقلاب دمکراتیک آمریکا نقل می‌کنند: ((کسانی که برای امنیتی حقیر و گذرا، حاضرند از آزادی‌های اساسی دست بکشند، نه لایق آزادی‌اند و نه لایق امنیت.)) از این دیدگاه رادیکال آزادیخواهانه، سلب آزادی به بهانه امنیت نیز مجاز نیست.

سرویس‌های مخفی از قماش وزارت اطلاعات، هم باید آزادی را سلب کنند و هم امنیت را برای بخشی از مردم ایران که از سوی حکومت متهم به ((برانداز)) بودن است از میان ببرند. فلسفه وجودی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی جز این نیست. نه ساواک شاه و نه وزارت اطلاعات فقها، در واقع امر در خدمت آن چیزی نبودند و نیستند که وظیفه اصلی‌شان اعلام شده است، یعنی مبارزه با جاسوسان خارجی. ایران، تکنولوژی پیشرفته‌ای ندارد که قدرت‌های خارجی به دنبال کسب آن باشند. اسراری که حفظ آن از دستبرد خارجی ضرورت دارد، قبل از تشکیل ساواک نیز از سوی ضداطلاعات ارتش قابل حفاظت بود (هر چند همین ارگان نیز بیشتر به سرکوب آزادیخواهی در میان نظامیان مشغول بود). هدف از تشکیل ساواک و وزارت اطلاعات و امثال آن اساسا چیز دیگری است. دشمن اصلی وزارت اطلاعات، دشمنی که همه تلاش و فعالیت این وزارتخانه علیه او است، آزادیخواهان ایرانند که از نظر حکومت، اساس رژیم را به خطر می‌افکنند.

ابزار اصلی وزارت اطلاعات، ترور است، هم به معنای حذف فیزیکی مخالفان و هم به معنای ایجاد وحشت در میان مخالفان و یا کسانی که ممکن است به مخالف فعال تبدیل شوند. اساس فعالیت و ساختار وزارت اطلاعات، حول محور ترور می‌گردد. چگونه می‌توان نهادی اینچنینی را متحول ساخت و با الزامات گشایش سیاسی همخوان کرد؟ اصولا در یک جامعه باز، فلسفه وجودی نهادی مانند وزارت اطلاعات که کارکنان آن جز ترور و ارباب‌چیزی نیاموخته‌اند چیست؟

فراموش نکنیم: خود آقای خاتمی نیز در دیدار اخیرش با مقامات وزارت اطلاعات، به جای اینکه بر نقش اطلاعات در اتخاذ تصمیمات درست در دولت تاکید کند (عرصه‌ای که بنا به نام وزارت اطلاعات قاعدتا باید عرصه اصلی فعالیت آن باشد) محور سخنان خود را وظیفه ((امنیتی)) این وزارتخانه قرار داد.

در مورد ارگانی مانند وزارت اطلاعات چیزی کمتر از انحلال آن نمی‌تواند راهگشای سیر تحول جامعه در جهت گشایش باشد. این خواست ما برخاسته از واقعیات فوق و این حقیقت است که نحوه شکل‌گیری وزارت اطلاعات، عناصری که به آن جذب شده‌اند و اسلوب کاری آن، منطبق بر وظیفه امنیتی آن در قبال یک قدرت خودکامه است.

با این حال، این خواست ما بدین معنا نیست که از مبارزه برای هر حد از تقلیل دادن قدرت جهانی اطلاعاتی‌ها در جمهوری اسلامی حمایت نکنیم. ما با آنکه تعویض وزیر اطلاعات را به هیچ وجه کفایت دهنده مطالبات آزادیخواهان نمی‌دانستیم، از آن به عنوان یک پیروزی مردم استقبال کردیم. اکنون نیز هر تلاشی برای به عقب راندن نفوذ اختاپوسی مافیای اطلاعاتی‌ها در جامعه، مورد حمایت ماست. ما از همه خواست‌های مردم در جهت محدود کردن قدرت وزارت اطلاعات، قرار گرفتن آن تحت نظارت نهادهای انتخابی مانند کمیسیون‌های مجلس و تصفیه آن از جنایتکارانی که دست آنان مستقیما به خون آغشته است پشتیبانی می‌کنیم. ما معتقدیم هر گام عقب‌نشینی رژیم در برابر این خواست‌ها، گامی در جهت خواست‌های ریشه‌ای‌تر و رادیکال‌تر ماست.

## اصلاح قانون انتخابات برای مدتی محدود به تعویق افتاد

کمیته‌ای با شرکت نمایندگان مجلس، دولت و شورای نگهبان پیش‌نویس نهایی طرح یا لایحه ((اصلاح قانون انتخابات)) را تهیه خواهد کرد.

در زمانی که افکار عمومی جامعه با حساسیت بسیار بخشی از رازهای از پرده برون افتاده مربوط به ترور وحشیانه زنده‌یادان پروانه و داریوش فروهر، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده و ((خودکشی)) یکی از عاملان کشتار آنان را تعقیب می‌کنند، مجلس شورای اسلامی بررسی دو طرح مربوط به ((اصلاح)) قانون انتخابات و مطبوعات را در دستور کار هفته‌های اخیر خود قرار داده است. هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی که لایحه‌ای از دولت را در این باب در تاریخ ۱۱ مهرماه سال گذشته و طرحی از کمیسیون شوراها و امور داخلی را در آبان‌ماه دریافت کرده است، با تاخیر بسیار طولانی و ناهمخوان با آئین‌نامه داخلی مجلس و همچنین بی‌اعتنا به لایحه ارائه شده توسط دولت، هفته پیش طرح مصوبه کمیسیون را که با هدف ایجاد مشکلات بیشتر برای نیروهای اصلاح‌طلب و دموکرات تهیه شده است، در دستور کار مجلس قرار داد. به دنبال این حرکت جانبدارانه هیئت رئیسه مجلس، مجید انصاری رئیس فراکسیون مجمع حزب‌الله مجلس، خواهان مسکوت گذاشتن این طرح گردید و خواستار آن شد که هیئتی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور، وزیر کشور، شورای نگهبان، افرادی از مجلس و اساتید برجسته حقوق از مجموعه طرح‌های تقدیمی فعلی و لایحه دولت طرح جامعی را تهیه کنند تا از این طریق وحدت نیروهای خودی داخل و خارج از مجلس تامین شود. در جریان رسیدگی به پیشنهاد انصاری نهایتاً پس از چند مرحله رای‌گیری و تشکیک در آن، رای‌گیری با ورقه به عمل آمد که در نتیجه موافقان پیشنهاد مسکوت ماندن طرح با ۱۰۵ رای از ۲۰۶ رای به پیروزی رسیدند. حال قرار است کمیته مشترکی از نمایندگان دولت، مجلس و شورای نگهبان در مدت ده روز پس از تشکیک، نظرات خود را در اختیار مجلس قرار دهد.

از جانب دولت تاکنون موسوی لاری وزیر کشور، شوشتری وزیر دادگستری و صدوقی معاون پارلمان رئیس‌جمهور معرفی شده‌اند. مجلس نیز مجید انصاری، محمد رضا باهنر و طه هاشمی را تعیین نموده است. شورای نگهبان که طبقاً از روند پیش آمده راضی نیست تاکنون رسماً اقدامی نکرده است ولی گفته می‌شود که احتمالاً علیزاده یکی از حقوقدانان آن به کمیته یاد شده معرفی خواهد شد. در کمیته‌ای با این ترکیب قاعدتاً نه نظر تدوین‌کنندگان و نه نظر دولت پیش خواهد رفت و محصول آن چیزی شبیه قانون موجود با تغییرات جزئی خواهد بود. انصاری در جریان طرح پیشنهاد خود مشخصاً به نمایندگان محافظه‌کار اطمینان داد که در مورد حذف نیروهای غیرخودی دغدغه‌ای ندارد و نظر وی تنها برآن است که تمهیداتی چیده شود تا نیروهای ((خودی)) حذف نگردند. با وجود چنین روحیه‌ای در میان اصلاح‌طلبان حکومتی و بخش واقع‌بین محافظه‌کاران این احتمال که کمیته جدیدالتاسیس بررسی قانون انتخابات بتواند در زمان مقرر پیش‌نویس جدیدی را تهیه کند که مورد تایید اکثریت قابل توجه مجلس قرار گیرد، وجود دارد. در این صورت کار برای نیروهای ((خودی)) که هم با ضوابط دست و پاگیرتر مواجه خواهند بود و هم در نهایت تیغ نظارت استصوابی شورای نگهبان را در بالای سر خود خواهند داشت، همچنان دشوار خواهد ماند. در پایان سال گذشته دیدیم که نتیجه کار کمیته مشابهی در مورد انتخابات شوراها آن شد که داوطلبان خاصی مجبور شوند خود را ملتزم و معتقد به ولایت فقیه نشان دهند. حال باید اندکی صبرکرد و دید که ((ارمغان)) کمیته جاری برای نیروهای غیرحکومتی و عناصر آزادی‌خواه جامعه چه خواهد بود.

## پازل تکمیل می‌شود؟ علی فلاحیان مهره بعدی است

### دفتر تحکیم وحدت، روزنامه‌های سلام و خرداد خواهان محاکمه فلاحیان شدند

دستور دهندگان قتل‌های زنجیره‌ای گمان می‌کردند اگر سعید امامی معاون امنیتی وزیر اطلاعات را قاتل اصلی و عامل نفوذی بیگانگان معرفی کنند و بگویند او خودکشی کرد و رفت، ماجرای قتل‌ها به همین سادگی از سر زبان‌ها خواهد افتاد و همانطور که به مطبوعات دستور داده بودند، آن‌ها نیز سکوت می‌کنند و مردم هم با این سناریو مساله را پایان یافته تلقی خواهند کرد. اما خلاف انتظار آنان، اعلام خبر خودکشی سعید امامی و برگزاری مجلس ترحیم او آتش نیمه جان ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای پاییز سال گذشته نه تنها خاموش نشد، بلکه شعله‌های آن جان تازه‌ای گرفت.

در پی اعلام خبر خودکشی سعید امامی، سکوت مطبوعات شکست، سوال‌هایی که در ذهن روزنامه‌نگاران بود در مطبوعات بازتاب یافت و بحث قتل‌ها، طرح اسامی آمران، مباشران و عاملان آن دوباره به جریان افتاد در

میان مردم همهگیر شد.

خودکشی سعید امامی را کسی باور نمی‌کند. مردم حتی در مورد کشته شدن او تردید دارند. بعد از گذشت دو هفته هنوز معلوم نیست جنازه امامی را کجا خاک کرده‌اند. چه بر سر امامی آمده است؟ سخنی است که در میان مردم مطرح است و گرهی است که باید گشوده شود. اما امامی گره اصلی پرونده قتلها نیست. گره اصلی، چهره‌های پشت‌پرده‌اند. چهره‌هایی که سعید امامی با آنان در ارتباط بود و از آنان دستور می‌گرفت. امامی معاون امنیتی وزیر اطلاعات بود و بدون تردید به فرمان این و یا آن امام جمعه و آخوند دون‌پایه حکومتی عمل نمی‌کرد. طبیعی است که دستورات او از طرف چهره‌های ارشد حکومت صادر می‌شد. فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری رفسنجانی یکی از این چهره‌هاست.

## شاه‌کلید واقعی

همه از فلاحیان به عنوان سرنخ اصلی ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و ترورهای پیش سخن نمی‌گویند و او را شاه‌کلید رسیدن به چهره‌های مهم‌تر می‌دانند. دفتر تحکیم وحدت و روزنامه‌های سلام، نشاط، خرداد، آبان، همشهری و... به اسم از فلاحیان سخن گفته‌اند. نخستین بار روزنامه سلام به طور آشکار پای فلاحیان را به میان کشید و خواستار پاسخ‌گویی او شد.

روزنامه نشاط فلاحیان را بازیگری خوانده که آگاهانه پاپس کشیده و پشت‌پرده ایستاده است. دفتر تحکیم وحدت در بیانیه خود خواستار احضار فلاحیان به دادگاه شده است. در این بیانیه روزنامه کیهان که با سرپرستی حسین شریعتمداری منتشر می‌شود به عنوان بخش مطبوعاتی ((محفل‌نشینان)) توصیف شده است. روزنامه همشهری معتقد است سعید امامی آن مهره درشتی نبود که به دام افتاد. این روزنامه با اشاره به مراسم ترحیم سعید امامی که با حمایت جریان راست و حضور حسینیان رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و از دستیاران ری شهری برگزار شد، نوشته است: ((آیا معنای این حضور گستاخانه این نیست که عقبه سعید اسلامی همچنان دست نخورده است و کسانی که او را به کار آدم‌کشی گماردند، هنوز پابرجا و قدرتمند... باید در پروژه پرونده وحشت به دنبال ردپای مهره‌های درشت‌تری گشت.

## انتهای این زنجیر کجاست؟

کشاندن پای فلاحیان به ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و نشان دادن وی بر صندلی اتهام نمی‌تواند برای جمهوری اسلامی بدون پیامد باشد و پرونده ماجرا فقط با محاکمه فلاحیان بسته شود. فلاحیان ۸ سال وزیر اطلاعات کابینه رفسنجانی بود. در این دوره ده‌ها نفر از مخالفان سیاسی در داخل و خارج از کشور توسط ماموران و فرستادگان وزارت اطلاعات ترور شدند. ماجرا هر اندازه بیشتر دنبال شود، پای چهره‌های دیگری به میدان می‌آید. ری شهری که با ورود امامی به وزارت اطلاعات موافقت کرد و اکنون نیز گفته می‌شود یکی از حامیان اصلی فلاحیان برای نجات از این گرداب است؛ دری نجف‌آبادی که تا زمانی که وزارت اطلاعات در مقابل فشار مردم به زانو درنیامده بود، با سماجت از او حمایت می‌کرد. اما آیا مهره‌های درشتی که از آنان سخن گفته می‌شود، به همین افراد محدود می‌شود. فلاحیان ۸ سال بدون اطلاع رئیس دولت، هاشمی رفسنجانی، به جنایت مشغول بوده است؟ سید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از چنین جنایاتی بی‌اطلاع بوده است؟

## دو پیام!

یکی از افرادی که با اظهارنظری غیرمنتظره، بسیاری را شگفت‌زده کرد، سعید حجاریان، مدیر مسئول روزنامه صبح امروز که پیوسته بر رسیدگی تا به آخر به قتلها تاکید داشته است، می‌باشد. حجاریان به خبرنگار روزنامه ایران گفته است: ((این روزها تک نمودهایی در مطبوعات دیده می‌شود که ممکن است منجر به تضعیف وزارت اطلاعات و قوه قضائیه شود)).

روزنامه نشاط ۸ تیر در تحلیل این خبر نوشته است: ((سعید حجاریان در اتخاذ چنین موضعی تنها نیست. روز گذشته دو منبع دیپلماتیک نیز نتوانستند نگرانی خود را از روند پرداخت اصلاح‌طلبان به ماجراهای اخیر پنهان کنند)). در گزارش این روزنامه آمده است: یک سفیر محترم و با سابقه که کشورش دارای روابط بسیار دوستانه‌ای با جمهوری اسلامی است، در یک اظهارنظر دوستانه خواستار توجه اصلاح‌طلبان هوادار خاتمی به بازی شده است که تازه آغاز شده و شاید دیگر نتوان آن را جمع کرد. او معتقد بود چنین اتفاقی می‌تواند به یک فاجعه برای ساختار امنیتی ایران تبدیل شود. از سوی دیگر یک روشنفکر و روزنامه‌نگار نیز به خبرنگار نشاط گفته است: آنچه در حال رخ دادن است، مانند آن می‌ماند که کشتی را از یک نقطه سوراخ کنیم و امیدوار باشیم که تنها همان بخش غرق شود. نشاط پیش‌بینی کرده است با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا، به زودی ((پیام بازدارنده)) از ((بالا)) خواهد رسید.

در مقابل این ((پیام بازدارنده)) که قرار است برسد، روزنامه سلام پیام دیگری خطاب به خاتمی دارد. این روزنامه در روز ۶ تیر از زبان یکی از خوانندگان خود نوشت: ((خاتمی! دو سال است با سعید امامی‌ها با تساهل برخورد کردی و نتیجه‌اش را دیدی. فرصت را از دست نده و مانند جدت با این خوارچ زمان برخورد کن. اگر نکردی، پشیمانی سودی ندارد و دیگران با ضایعات بیشتر این کار را می‌کنند)).

## صف‌آرایی برای انتخابات مجلس ششم هنوز در پشت پرده است

علاقه‌مندان به مسایل سیاسی به یاد دارند که یک ماه پیش، زمانی که نقش شورای نگهبان در انتخابات مجلس، به شدت مورد اعتراض عمومی قرار گرفته بود، سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، در یک سخنرانی تند به دفاع از نظارت استصوابی شورای نگهبان برخاست و مخالفین این نهاد ارتجاعی را با تندترین کلمات مورد حمله قرار داد.

### پیام تهدیدکننده

روزنامه نشاط در گزارشی که اخیراً پیرامون انتخابات مجلس ششم منتشر کرده است، ((راز)) این سخنرانی را، که به نظر بسیاری غیرمنتظره می‌نمود، فاش ساخت. به نوشته نشاط: ((چند هفته پیش هنگامی که دولت محمد خاتمی درصدد بود که با تقدیم طرحی به پارلمان اقتدار شورای نگهبان را محدود کند و به نظارت فائده آن بر رد صلاحیت کاندیداهای نمایندگی پایان بخشد، در یک روز نه چندان گرم بهاری اعضای کهنسال شورا به دفتر یک مقام بسیار محترم و عالی‌رتبه رفتند و از او خواستند از میان آن‌ها و اصلاح‌طلبان یکی را انتخاب کند. فردای آن روز پاسخ قاطع به تلاش‌های همزمان دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی و روزنامه‌های هوادار او برای محدود کردن شورای نگهبان باعث شد که موضوع برای مدت نامعلومی به اتاق سکوت برود. با وجود این نباید گمان کرد که متوسل شدن محافظه‌کاران عضو شورای نگهبان به مقامات عالی‌رتبه مانع از آن خواهد شد که نظارت غیرقابل کنترل این نهاد از زیر نگاه افکار عمومی خارج شود)).

این روزنامه در ادامه گزارش خود چنین نوشته است: ((در یک جلسه بسیار مهم و عالی‌رتبه، کسی که از شورای نگهبان دفاع کرده بود شروع به گله‌گذاری از عدم حمایت سه مقام بسیار مهم حاضر در آن جلسه کرده است)). نشاط در تحلیل این خبر نوشت: ((اولین احتمالی که در مورد مخاطبان این گله به نظر می‌رسد در مورد همان چهره متفاوتی است که به تازگی به ترکیب مقامات عالی‌رتبه پیوسته است، اما می‌توان این احتمال را هم داد که افرادی از محافظه‌کاران نیز مورد خطاب بوده‌اند)).

### جلوگیری از ریاست عبداللهنوری؟

روزنامه نشاط در ادامه بررسی خود پیرامون انتخابات مجلس ششم به احتمال شرکت هاشمی رفسنجانی در این انتخابات پرداخت و نوشت: ((با مطرح شدن هاشمی رفسنجانی نتیجه منطقی همان است که ناطق نوری در یک پیش‌بینی زودرس از عرصه انتخابات کنار رود. آیا این شکست زود هنگام است؟ مطرح شدن نام هاشمی رفسنجانی می‌تواند پارلمان ایران را به محیط دلپذیرتری برای اصلاح‌طلبان تبدیل کند، هرچند که این گروه نیز معتقد است آنچه هاشمی می‌تواند برای آن‌ها به ارمغان بیاورد تنها حذف یک رقیب است. اما آیا هاشمی برای اصلاح‌طلبان چیزی بیش از این دارد؟ این سوال را برخی اصلاح‌طلبان بدبین مطرح می‌کنند، چرا که تصور می‌کنند حضور رفسنجانی علاوه بر حذف ناطق‌نوری پیام‌آور جلوگیری از ریاست احتمالی عبداللهنوری بر پارلمان است و این معنایی جز جلوگیری از رادیکال شدن پارلمان ندارد. هاشمی می‌تواند همزمان تعدیل دو جناح رقیب را در دستور کار خود قرار دهد.

### سازش؟

نشاط در ادامه بررسی خود نوشته است: ((یک مقام عالی‌رتبه سیاسی چندی پیش به خبرنگار خصوصی ما گفت: تنها ۹ ماه فرصت داریم، یا همه چیز یا هیچ! این مقام اصلاح‌طلب درست می‌گوید. جلوگیری محافظه‌کاران از ورود اصلاح‌طلبان به پارلمان معنایی جز کند شدن فرایند اصلاحات و آغاز یک سال قرار گرفتن بی‌فایده محمد خاتمی در دولت نخواهد داشت. اما از سوی دیگر پیروزی اصلاح‌طلبان با افزایش مطالبات از خاتمی همزمان شده و دشواری جدیدی را پیش روی او قرار خواهد داد. در این‌جاست که پاره‌ای تحلیل‌گران مستقل توصیه می‌کنند که اصلاح‌طلبان با پرهیز از یک سرمستی، نه تنها محافظه‌کاران را در حالت انتحاری قرار ندهند، بلکه پیش از برنده شدن، به آن سوی پیروزی بنگرند، حتی اگر پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان این برنده شدن را بر آن‌ها تحمیل کند. بدیهی است که این توصیه محافظه‌کاران را نیز در برخواهد گرفت چرا که جلوگیری آن‌ها از ورود اصلاح‌طلبان به پارلمان، معنایی جز قرار دادن یک پایگاه اجتماعی بسیار فعال در پشت درهای مجلس نخواهد بود)).

## نیروهای امنیتی از شرکت آیت‌الله منتظری در مراسم بزرگداشت فرزندش جلوگیری کردند

مراسم بزرگداشت هیجدهمین سالگرد درگذشت محمد منتظری، فرزند ارشد آیت‌الله منتظری که در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی کشته شد، از سوی خانواده محمد منتظری در منزل وی در قم برگزار شد. فراخوان این مراسم که در برخی روزنامه‌ها و مطبوعات اصلاح‌طلبان درج شد، با استقبال گسترده‌ای روبرو گردید و گروه وسیعی از طلاب حوزه علمیه و مردم در این مراسم شرکت کردند. شرکت‌کنندگان در این مراسم خواهان پایان دادن به محاصره و کنترل خانه آقای منتظری از سوی ماموران سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات شدند. منزل آیت‌الله منتظری نزدیک به دو سال است تحت کنترل قرار دارد. با وجود آن که منزل آیت‌الله منتظری در کنار منزل فرزندش قرار دارد، ماموران مانع شرکت آیت‌الله منتظری در این مراسم شدند. در پایان این مراسم، حدود ۲۵ نفر از اوباش حزب‌الله با سر دادن شعارهایی علیه آقای منتظری قصد اخلاص و درگیری با جمعیت را داشتند که به نوشته روزنامه‌ها با ((بی‌اعتنایی)) شرکت‌کنندگان در مراسم شدند. ساعاتی بعد، این اقدام حزب‌الله با واکنش روحانیون بلندپایه غیرحکومتی روبرو گردید. این روحانیون مسئولین دولتی را در آزاد نهادن چماقداران در هتک حرمت به دیگران مورد نكوهش و انتقاد قرار دادند. اکنون مدت‌هاست از سوی مسئولین نظام وعده داده شده است محاصره خانه آیت‌الله منتظری پایان یابد، اما با گذشت ماه‌ها از این خبر، ارگان‌های امنیتی و سپاه پاسداران کماکان منزل وی را تحت نظر دارند و از تماس آیت‌الله منتظری با مردم و حتی افراد خانواده‌اش جلوگیری می‌کنند. آگاهان می‌گویند اگر آقای خاتمی بخواهد، می‌تواند با اتکا به قانون در جهت رفع محاصره خانه آیت‌الله منتظری اقدام کند و دستور دهد این محاصره پایان یابد. چند هفته پیش آیت‌الله منتظری با صدور نامه‌ای در پاسخ به گروهی از طلاب قم، نظارت استصوابی شورای نگهبان را ضایع نمودن حقوق مردم اعلام کرد. این نامه باعث شده است که محافظه‌کاران فشار بر وی را تشدید کنند.

## ناصر زرافشان وکیل خانواده پوینده: ((خودکشی)) سعید امامی گم کردن سرخ‌اصلی ماجرای قتل‌هاست

ناصر زرافشان وکیل خانواده محمدجعفر پوینده یکی از نویسندگانی که پاییز سال گذشته به دست ماموران وزارت اطلاعات به قتل رسید، به روزنامه صبح امروز گفت: اعلام خبر خودکشی سعید امامی که به عنوان یکی از عاملان اصلی قتل‌ها دستگیر شده بود، گم کردن سرخ‌های اصلی ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای است. زرافشان گفته است مراقبت از سعید امامی برعهده بازداشت‌کنندگان او بود و کسانی که در نگهداری از وی قصور کرده‌اند باید محاکمه شوند. وی افزود در حال حاضر سمت و سوی رویدادها بیشتر در جهت کور شدن سرخ‌ها و لوٹ شدن پرونده است. ناصر زرافشان با اشاره به قضاوت عمومی درباره دخالت ماموران وزارت اطلاعات در قتل نویسندگان که بعداً در اطلاعیه وزارت اطلاعات تایید شد نتیجه گرفت آنچه امروز مردم درباره مساله می‌گویند، درست است. وی تاکید کرد با توجه به گزارش‌های متناقضی که به مردم داده می‌شود، آنان حق دارند نسبت به این گزارش‌ها بدگمان باشند. زرافشان به نقش فلاحیان وزیر اطلاعات دوران ریاست جمهوری در ماجرای قتل‌ها اشاره کرد و گفت حتی با این فرض که عاملین قتل‌ها بدون اطلاع وی مرتکب این قتل‌ها شده باشند، مسئولیت نظارت بر زیر مجموعه، متوجه وزیر سابق اطلاعات است. زرافشان با رد موضوع خودکشی سعید امامی افزود که وی تحت‌نظر وزارت اطلاعات و در بند مخصوص وزارت اطلاعات بود. وی اضافه کرد دادستان نظامی از متهمان به عنوان ((عامل)) نام برده و من از واژه ((عامل)) اجراکننده مستقیم جنایات را استنباط می‌کنم، اما در کنار عامل، آمر هم وجود دارد و این جنبه قضیه حساس‌تر است. وکیل خانواده پوینده در پایان این مصاحبه گفت: به موکلین من علیرغم تقاضای مکرر آنان اجازه نداده‌اند که پرونده را بخوانند و چون مشخصات خوانده را ندارند تا کنون نتوانسته‌اند دادخواستی به دادرسی نظامی بدهند، زیرا دادخواستی که مشخصات متهم مجزا ذکر نشده باشد، رد خواهد شد. در مصاحبه دیگری سیاوش مختاری، فرزند محمد مختاری، خودکشی سعید امامی را مشکوک خواند و گفت: ((پدرم مدت‌ها در زندان بود و افرادی که به زندان رفته‌اند می‌دانند خودکشی در زندان به این سادگی نیست)). سیاوش مختاری افزود: ((ما خواستار آن هستیم که این غده چرکین و حواشی آن از جامعه حذف شود)).

## مراسم یادبود سعید امامی با حضور اعضای وزارت اطلاعات برگزار شد

مراسم ختم، شب سوم و هفتم سعید امامی معاون امنیتی وزارت اطلاعات و یکی از عاملان اصلی قتل‌های زنجیره‌ای که ادعا می‌شود با خوردن داروی نظامی در حمام زندان خودکشی کرده است، در روزنامه‌های چاپ تهران بازتاب گسترده‌ای داشت. در همه روزنامه‌های صبح و عصر، گزارش مراسم در صفحه نخست و با تیترهای درشت چاپ شد، اما به هیچ کدام از روزنامه‌ها اجازه ندادند از سعید امامی و یا مراسم یادبود او عکسی چاپ کنند. در محل مراسم نیز عکسی از او نصب نشده بود. مامورانی با لباس کماندویی مسلح به سلاح و بی‌سیم اطراف مسجد را قرق کرده بوده‌اند و ورود و خروج به آن را به شدت کنترل می‌کردند. از گفته‌های معاون وزیر کشور برمی‌آید که مراسم طبق برنامه دوستان امامی در وزارت اطلاعات برگزار شد و مامورانی که در محل بودند وابسته به نیروهای انتظامی نبودند.

در مراسم شب هفت امامی، نزدیک به ۴۰۰ نفر از افراد وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج، چهره‌های ناشناخته هیات مولفه و خانواده امامی شرکت کردند. شرکت حجت‌الاسلام روح‌الله حسینیان قاضی دادگاه ویژه روحانیت، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، عضو وزارت اطلاعات و چهره نزدیک به محمدی ری‌شهری در این مراسم و دفاع روشن و آشکار او از سعید امامی، بیش از برگزاری مراسم یادبود جنجال برانگیخت.

نام حسینیان نخستین بار در برنامه تلویزیونی چراغ که از صدا و سیما پخش شد و همچنین مصاحبه وی با کیهان بر سر زبان‌ها افتاد. حسینیان در این برنامه مدعی شد که قاتلان روشنفکران ایران از افراد هوادار خاتمی در وزارت اطلاعات هستند. در آن مصاحبه حسینیان از کسی اسم نبرد، اما در شب هفت امامی گفت منظور وی مصطفی کاظمی یا همان موسوی است که هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد و ظاهراً شخص پیشنهادی خاتمی برای جانشینی سعید امامی در معاونت امنیتی وزارت اطلاعات بوده است. حسینیان ارتباط سعید امامی با بیگانگان را تکذیب کرد و گفت ((خدمات ارزشمند)) او بعدها آشکار و اثبات خواهد شد. حسینیان چند روز بعد نامه‌ای در دفاع از امامی منتشر کرد.

روزنامه نشاط در تحلیل علت شرکت حسینیان در مراسم ترحیم سعید امامی و عدم شرکت گردانندگان روزنامه کیهان، که از آن‌ها به عنوان شاخه مطبوعاتی ((محفل)) نام برده می‌شود، از قول عمادالدین باقی نوشت: همان‌طور که حضور حسینیان و تعدادی از اعضای وزارت اطلاعات در این مراسم سوال برانگیز است، عدم حضور عده‌ای دیگر نیز سوال برانگیز است. مثلاً کسانی که شاخه مطبوعاتی این باند بودند! برخی تحلیل‌ها بر این است که پیش‌افتادن حسینیان به خاطر آن است که توجه از چهره‌های اصلی ترمصرف‌شود.

### ناطق نوری:

### وقتی سیل بیاید همه را خواهد برد

ناطق نوری رئیس مجلس از آینده جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرد و به رقبا هشدار داد: اگر سیل بیاید همه را خواهد برد و بحث این گروه و آن گروه نیست. ناطق نوری گفت: امروز همان جریان‌های لیبرالیستی، دگراندیش و وابسته به بیگانه‌ها به شکل دیگری از لانه‌هایشان سر بیرون آورده‌اند و از فضای آزاد حاکم در کشور سواستفاده می‌کنند. او که به عنوان سخنران پیش از دستور در مجلس سخن می‌گفت افزود: در داخل هم دستگاه‌ها، جمعیت‌ها و دست‌هایی با آن‌ها همکاری می‌کنند. ناطق نوری افزود: بعضی‌ها بحث خطرناکی را طرح می‌کنند. امام خمینی و حاکمیت افتخارآمیز امام را زیر سوال بردن و این که آن زمان گذشت و حرف‌های امام امروز کارآیی ندارد، خیانت و توطئه است. رئیس مجلس در ادامه سخنانش مدعی شد: وقتی سیل بیاید، همه را خواهد برد. بحث این گروه و آن گروه نیست. امروز چپ و راست معنا ندارد. معادلات تغییر کرده و باید بگوئیم نیروهای خودی و غیرخودی.



## با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90  
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>  
[fadai.aksariyat@magnet.at](mailto:fadai.aksariyat@magnet.at)

آدرس کار در اینترنت :  
آدرس پست الکترونیکی :

**I.G.e.v** : آدرس پستی  
**Postfach 260268**  
**50515 Köln**  
**Germany**

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان  
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک  
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

### فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک :  
مدت اشتراک : شش ماهه  یک ساله  تاریخ :

Name: ..... نام :

Address: ..... نشانی :

.....  
.....  
.....  
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)  
به آدرس فوق پست کنید!

**I.G.e.v** : دارنده حساب  
**22 44 20 32** : شماره حساب  
**37 05 01 98** : کد بانک  
**Stadtsparkasse** : نام بانک  
**Köln**  
**Germany**